البرز

پیشرفت پروژه بلوار بوعلی کرج چشمگیر است

سرپرست سازمان عمران و بازآفرینی فضاهای شهری شهرداری کرج، از روند پیشرفت پروژه بلوار بوعلی ابراز رضایت کرد. علیرضا عاقلی ضمن بازدید از پروژه بلوار بوعلی گفت: با همت نیروهای واحد امانی و پشتیبانی سازمان، پیشرفتی که در این مدت نسبت به روند اجرای پروژه مذکور شاهد هستیم بسیار چشمگیر بوده است. وی با اشاره به روند فیزیکی این پروژه عنوان کرد: پروژه ادامه بلوار بوعلی به طول ۲۰۰ متر و عرض ۳۰ متر و بلوار تربیت مربی به طول ۳۰۰ متر و عرض ۳۵ متر در حال اجراست که پس از مراحل خاکبرداری آن، تسطیح و تحکیم بستر، اجرای عملیات جدول‌گذاری، زیرسازی و آسفالت در دستور کار قرار دارد. این مسؤول خاطرنشان کرد: این طرح به منظور تسریع در تردد و دسترسی شهروندان، بهسازی و ساماندهی معابر و دستیابی به استانداردهای مطلوب شهری با بهره‌گیری از ماشین‌آلات سنگین و نیروهای پشتیبانی و امانی سازمان انجام می‌شود.

یزد

نخستین پایگاه استانی یونسکو در یزد برپا می‌شود

مدیرگروه فرهنگ و هنر کمیسیون ملی یونسکو گفت: برای بهتر اداره کردن کشور با این تمدن باید پایگاه‌های سازمان یونسکو ایجاد شود که نخستین آن در استان یزد برپا می‌شود. به گزارش تسنیم، بهمن نامور در جلسه کمیسیون فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شورای اسلامی شهر یزد، مردم شهر یزد را فرهیخته و منسجم خواند و اظهار داشت: زمانی که ما برای ثبت شهر جهانی یزد اقدام کردیم صنعت زیلوبافی و نساجی در خطر بود ولی با تلاش مسؤولان استان و خود مردم اتفاقات خوبی در این صنایع افتاد. وی افزود: کشور ایران بزرگ‌تر از آن است که بتوانیم با یک پایگاه متمرکز آن را اداره کنیم و باید برای برطرف کردن موانع پیش‌رو در هر استان سازمان جهانی یونسکو یک پایگاه داشته باشد که نخستین پایگاه در استان یزد برپا می‌شود. نامور تصریح کرد: در هر قسمت از ایران یک تمدن وجود دارد که برای زنده کردن آن ساختار اداری کارساز نیست، بلکه با استفاده از مشارکت مردم و استان‌ها این کار را باید به سرانجام برسانیم.

وعده‌ها و مانورهای تبلیغاتی رئیس‌جمهور در احیای بزرگ‌ترین دریاچه داخلی کشور عملی نشد

دریاچه ارومیه در آستانه خشکی کامل

سال ۹۲ احیای دریاچه ارومیه یکی از وعده‌های انتخاباتی رئیس جمهور بود که از این طریق آرای مردم آذربایجان کسب شد، چرا که بحران این دریاچه برای تمام مردم منطقه بااهمیت بود ولی امروز دریاچه ارومیه در آستانه خشک‌شدن کامل قرار گرفته است. به گزارش تسنیم، دریاچه ارومیه چند سالی است که با روند خشکسالی دست و پنجه نرم می‌کند و در برخی روزهای سال تا مرز خشکی کامل نیز پیش می‌رود و حتی عکس‌هایی که ناسا اوایل امسال منتشر کرده بود نشان از خشک شدن کامل نیمه جنوبی این دریاچه داشت. موضوع دریاچه ارومیه برای مردم آذربایجان و ایران آنقدر پراهمیت بود که به یکی از وعده‌های انتخاباتی ریاست‌جمهوری نیز تبدیل شد، چرا که مردم آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی به جد خواستار احیای دریاچه ارومیه بودند و مردم ایران نیز این موضوع را بخوبی درک می‌کردند که اگر دریاچه ارومیه خشک شود توفان‌های نمکی به دیگر استان‌های ایران نیز خواهد رسید و جمعیتی بیش از ۱۶ میلیون ایرانی را در معرض بیماری‌های جدی قرار خواهد داد. حجت‌الاسلام والمسلمین حسن روحانی نیز در وعده‌های انتخاباتی خود مرتباً بر احیای دریاچه ارومیه تاکید می‌کرد و به این ترتیب نظر بسیاری از مردم منطقه را به خود جلب کرد. روحانی پس از انتخاب به عنوان رئیس‌جمهور ایران نیز اولین مصوبه دولتش درباره احیای دریاچه ارومیه بود و در زمینه احیای دریاچه ارومیه برنامه‌ریزی‌هایی نیز شد ولی عملاً امروز بحران دریاچه ارومیه جدی‌تر شده و تا مرز خشک شدن کامل پیش رفته است.

■ ۱۱ پروژه انتقال آب به دریاچه ارومیه تعطیل شد

برخلاف ادعای دولت در جدیت برای احیای دریاچه ارومیه، امسال ۱۱ پروژه تصفیه و انتقال آب به دریاچه ارومیه تعطیل شده و تخصیص ندادن هیچ اعتباری در سال ۹۶ و روند نامطلوب آن در سال ۹۷، عملاً چگونگی اجرای همه پروژه‌های نجات دریاچه ارومیه را مختل کرده است. این روزها تنها چیزی که درباره روند احیای دریاچه ارومیه دیده می‌شود خبرهای غیرواقعی در رسانه‌های وابسته به دولت است که گویی هیچ بحرانی در این منطقه وجود ندارد در حالی که اوضاع دریاچه ارومیه به هیچ‌وجه مساعد نیست و تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌دهد از این زیستگاه بزرگ فقط یک توهمی از دریاچه باقی مانده است. در حالی که از حجم تراز اکولوژیک دریاچه ارومیه فقط یک‌سی‌ام باقی مانده، رسانه‌های وابسته به دولت از لزوم سختگیری به کشاورزان، مسدودسازی چاه‌های کشاورزی و اجبار و الزام آنان در مشارکت در روند احیای دریاچه ارومیه به‌واسطه ایده‌های خلق‌الساعه دولتمردان محلی در احیای ۲ ساله آن سخن می‌رانند. اساساً دولتمردان ملی و محلی دوست ندارند در این شرایط حتی درباره دریاچه ارومیه اظهار نظر کنند چون بخوبی می‌دانند به‌دلیل فقدان تخصیص اعتبار بموقع، کافی و تعهدشده از سوی دولت، برنامه‌های ستاد احیای دریاچه ارومیه به‌حالت رکود درآمده و انتظارات حتی خودشان نیز برآورده نشده است. نگاه ساده‌انگارانه دولت به عمق بحرانی که زندگی میلیون‌ها نفر از ساکنان استان‌های همجوار دریاچه را تهدید می‌کند مورد واکاوی قرار گرفته اما به‌جای آنکه اثر این گزارش‌ها تلنگری برای مسؤولان در پیگیری، جذب و تخصیص اعتبارات ستاد احیای دریاچه ارومیه باشد به واکنش اعضای درجه چندم دولت و وابستگان رسانه‌ای آنها منجر شده تا خط خبری رسانه‌های پیگیر موضوع دریاچه ارومیه را سیاه‌نمایی معرفی کرده و با این ترفند کور اصل موضوع دریاچه ارومیه را از حد یک مطالبه عمومی به یک سوژه سلیقه‌ای قابل رقابت بین رسانه‌ها تقلیل دهند. در آخرین اظهارنظر مقامات دولتی که این روزها کیمیا شده، مدیر دفتر برنامه‌ریزی و تلفیق ستاد احیای دریاچه ارومیه از وضعیت بسیار اسفناک چگونگی تخصیص و پرداخت اعتبارات دریاچه ارومیه پرده برداشته و با انتقاد از تأمین نشدن اعتبارات مورد نیاز این ستاد گفته است: این ستاد به‌دلیل کمبود اعتبار از برنامه‌های خود عقب افتاده است. مسعود تجریشی تنها توفیق ستاد احیای دریاچه ارومیه را تثبیت آن ارزیابی کرد که حتی این ادعا نیز مورد قبول بخشی از خود دولت نیست، چرا که در سال آغاز برنامه‌های ستاد احیا حدود ۳ میلیارد مترمکعب آب در بستر دریاچه ارومیه بود اما اکنون این رقم به حدود یک‌سوم کاهش یافته است اما با این حال وی گفته است: برای تثبیت وضعیت دریاچه ارومیه که قرار بود در مدت ۳ سال انجام شود تمام اقدامات با بودجه ۲ سال انجام شد و خوشبختانه کار تثبیت بخوبی پیش رفت. اما به‌اذعان خود وی ستاد احیای دریاچه ارومیه برای عملیات احیای دریاچه ارومیه تاکنون فقط ۴۰۰ میلیارد تومان دریافت کرده که البته مبلغ ۸۰۰ میلیارد تومان تخصیص سال ۹۵ برای احیای دریاچه ارومیه بود که در پایان سال ۹۶، فقط نصف آن پرداخت شد. مدیر دفتر برنامه‌ریزی و تلفیق ستاد احیای دریاچه ارومیه می‌گوید: سال ۹۶ هیچ بودجه‌ای برای ستاد احیای دریاچه ارومیه در نظر گرفته نشد. تاکنون از محل ماده ۱۰ و ۱۲ اعتبارات مصوب به‌صورت کامل به ستاد احیای دریاچه ارومیه داده نشده است، بنابراین از برنامه خود عقب هستیم.

کارنامه درخشان صنعت برق مازندران در مدیریت خاموشی‌ها

مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق مازندران می‌گوید پیک بار شبکه سراسری در تابستان سال ۹۷ نسبت به سال گذشته ۲/۹۹ درصد رشد داشته در حالی که مصرف برق در مازندران نسبت به سال گذشته به میزان ۲/۲۶ درصد رشد داشته است. قاسم شهابی با بیان اینکه در حال حاضر انرژی برق با زندگی روزمره مردم عجین شده است، اظهار کرد: تمام تلاش مجموعه صنعت برق مازندران این بود که در شرایط سخت گرمای تابستان سال جاری مردم آسیب نبینند. وی افزود به طور مثال پیک برق مازندران روز پنجشنبه ۱۱ مردادماه ۹۷ به میزان ۱۹۴۳ مگاوات بود، در حالی که پیک برق سال گذشته ۱۹۰۰ مگاوات بوده است. شهابی تصریح کرد: اقدامات بسیار خوبی برای اعمال مدیریت بر خاموشی‌ها از سوی مشترکان صنعتی و مردم انجام شد تا با کمترین تنش تابستان سال جاری سپری شود. وی با بیان اینکه صنعت برق مازندران در چند سال اخیر با مدیریت خاموشی و رعایت عدالت با کمترین خاموشی کارنامه درخشانی داشته است، افزود: با برنامه‌ریزی‌هایی که برای خاموشی‌ها اعمال شد تمام سعی‌مان این بود که مشترکان کمترین آسیب را ببینند. وی گفت: مردم شریف مازندران تنها با ۱۰ درصد صرفه‌جویی در ساعات اوج مصرف ۱۲ تا ۱۶ و ۲۰ تا ۲۳ صنعت برق را در تامین برق مطمئن همراهی کردند. وی با قدردانی از همکاری صنایع و مردم مازندران در بحث مدیریت مصرف، تصریح کرد: با اجرای برنامه‌های مدیریت اضطراری بار و طرح‌های پاسخگویی بار و همکاری و هماهنگی با مشترکین در ساعات اوج و نیز تغییر ساعت کار اداری ادارات در مازندران، مدیریت بار بسیار خوبی انجام شد که حداکثر این همکاری ۴۰۰ مگاوات بوده است.

آذربایجان‌شرقی

بهره‌برداری از جایگاه جدید عرضه فرآورده‌های نفتی در استان

مجتمع خدماتی و رفاهی شقایق به عنوان یکصد و شصت و یکمین جایگاه عرضه فرآورده‌های نفتی در منطقه آذربایجان شرقی مورد بهره‌برداری قرار گرفت. این مجتمع خدماتی در زمینی به مساحت ۱۰ هزار مترمربع با سرمایه‌ای بالغ بر ۶۰ میلیارد ریال و با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی احداث شده است. این جایگاه در فاز اول با ۵ پرسنل و دارا بودن ۲ سکوی بنزین و ۳ سکوی نفتگاز و ۲۴ نازل، نیز ۴ دستگاه مخزن بنزین و نفتگاز به ظرفیت کلی ۲۰۰ هزار لیتر و امکانات جانبی نظیر نمازخانه زنانه و مردانه، سرویس بهداشتی، رستوران، سوپرمارکت و تعمیرگاه در مسیر کیلومتر ۷ آزادراه تبریز- زنجان آماده ارائه خدمات سوخت‌رسانی به مردم شریف منطقه، مسافران و گردشگران است. گفتنی است، علاوه بر ۱۶۱ باب جایگاه مواد نفتی، ۱۶۱ باب جایگاه CNG نیز بی‌وقفه آماده ارائه خدمات سوخت‌رسانی در سطح منطقه است.

برگزاری دوره آموزش ایمنی و آتش‌نشانی در آذربایجان شرقی

مدیر شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه آذربایجان شرقی با تأکید بر اهمیت و ضرورت برگزاری دوره‌های آموزشHSE، برای کارکنان این منطقه با اجرای مانورها و رزمایش‌ها گفت: اجرای دوره‌های آموزشی علاوه برارتقای سطح دانش کارکنان، توانمندی و افزایش آمادگی در شرایط اضطراری، موجب کاهش آسیب‌های احتمالی و صیانت از تأسیسات و سرمایه‌های شرکت خواهد شد. ابوالفضل روح‌اللهی با اشاره به هماهنگی HSE و آموزش منطقه جهت برنامه‌ریزی و ایجاد زمینه‌های همکاری با مراکز علمی و معاونت آموزش خدمات ایمنی کلانشهر تبریز جهت بهره‌مندی از ظرفیت‌های موجود اظهار کرد: در ۵ ماه اول سال ۹۷ بیش از ۴۵۰ نفرساعت دوره آموزش ایمنی و آتش‌نشانی عمومی، آمادگی در شرایط اضطراری، نحوه صدور پروانه‌های کار برای کارکنان منطقه و بیش از ۴۲۵۰ نفر ساعت آموزش در خصوص الزامات و مقررات HSE جایگاه‌های عرضه سوخت و نفتکش‌های حمل‌ونقل و مبانی ایمنی و آتش‌نشانی برای کارکنان جایگاه‌های عرضه مواد نفتی، CNG،LPG و رانندگان نفتکش برگزار شد.

شاعری که از شعرش شاعرتر است

یادداشت

ادامه از صفحه ۱۳

«باور کنید تنها کسی که من با او آشنا شدم و دیدم که از شعرش هزار بار شاعرتر است، شهریار است». این سخن نشان می‌دهد شهریار شاعری است که مقام و موقعیت شعری‌اش به خوبی درک نشده و در سایه کم‌کاری اهل ادب و البته پرداخت ناشیانه به چهره‌ای ملی آن هم در رسانه‌ای مانند تلویزیون، تصوری که در ذهن مخاطب نقش بسته دارای اعوجاج است.

روز درگذشت شهریار شعر فارسی بستر حرف و حدیث‌های بسیاری میان اهل ادب بود، بویژه آنهایی که این انتخاب را یک انتخاب سیاسی می‌دانستند. این منازعات سبب شد که بخواهم بهتر شهریار را بشناسم. همان روزها از طریق دوستی مجموعه ۲۴ قطعه صدا به دستم رسید که شهریار در آن هم آواز می‌خواند و هم خاطره تعریف می‌کند و از کودکی و بزرگسالی و مسیر شاعر شدنش سخن می‌گوید. شنونده این قطعات بی‌شک حیرت می‌کند وقتی می‌شنود شهریار می‌گوید «آن روزها فرانسه می‌آموختم و اشعار شاتوبریان را می‌خواندم»، و این مجموعه کم‌نظیر، گنجینه‌ای است که جایگاه شهریار را بیشتر نمایان می‌کند.

«به گمان من در سرتاسر تاریخ غزل ما غزل شهریار بی‌نظیر است، این فوران عاطفی که در غزل شهریار و در شعر او هست، اصلاً حتی در سعدی هم سراغ نداریم. مضمون شاید در دیوان دیگران باشد اما عاطفه نیست، من نمی‌دانم او با این کلمات چه کار می‌کند که اینطور عاطفی می‌شود؟ اگر دیوان شهریار پالایش شود، از دیوان‌های درخشان شعر فارسی می‌شود». این سخن را شاعر «سیاه‌مشق» می‌گوید و وقتی روایت صادقانه او از مواجهه و همراهی‌اش با شهریار را می‌خوانیم به مقام شعری «محبت» (از به‌هم چسباندن حروف ابتدای نام شهریار چنین تعبیری درست می‌شود) پی می‌بریم. سایه بر این باور است که «شهریار از پابلو نرودا و ناظم حکمت و فلان و فلان هیچ کم نداشت و می‌توانست یک شاعر جهانی باشد»، در حالی که هواداران هوشنگ ابتهاج حاضر نیستند صدای او را در این‌باره بشنوند. این در حالی است که نه‌تنها ابتهاج بلکه دیگر شاعران معاصر و پژوهشگران حوزه شعر بر مقام شاعری این شاعر پارسی‌گو اعتراف کرده‌اند. شاعر «ارغوان» می‌گوید: «هیچ نشریه‌ای منتشر نمی‌شد حتی نشریه سیاسی، چپ و راست فرقی نمی‌کرد که غزلی از شهریار چاپ نکرده باشد. غزل شهریار اصلاً تضمین فروش نشریه بود، هیچکس در روزگار ما چنین موقعیتی نداشت»، و شاید باز هم حسادت‌ها به چنین موقعیتی در شعر باشد که برخی برای این انتخاب (روز ملی شعر و ادب پارسی) ابراز ناراحتی می‌کنند.

شهریار از تبریز تا کربلا

نگاه

ادامه از صفحه ۱۳

به دلایل یادشده و ضرورت‌های فراوانی که جنابعالی و هیأت محترم شورا بر آن وقوف دارید پیشنهاد می‌کنم روز ۲۷ شهریورماه که همگاه با وفات استاد فرزانه روانشاد است به عنوان «سالروز استاد شهریار- روز شعر» در کشور نامگذاری شود. طبعا این اقدام علاوه بر تکریم و تعظیم از شخصیت جهانی شهریار ملک سخن که در همه کشورهای پیرامون و سال گذشته از سوی یونسکو در مقر آن گرامی داشته شد، بزرگداشت علم و فضیلت و هنر و آفرینش‌های هنری و رونق شعر در کشور خواهد شد. پیشاپیش از نظر مساعد جنابعالی و اعضای محترم شورا کمال تشکر را دارم».

ما در شعر شهریار نه یک شاعر بزرگ بلکه چند شاعر بزرگ را دوشادوش هم می‌بینیم. او پی‌گیرنده و پاس‌دارنده سنت‌های ادبی است. این انس و الفت به و با شاعران بزرگ کهن، در تکوین و تشکل شخصیت ادبی و زبانی شاعر نقش بسزایی داشته است. او با نگاه و زبانی ویژه در قالب‌های مختلف شعر سنتی سخن‌پردازی کرده است. شهریار از سویی با استقبال و اقتفای آثار برخی شاعران گذشته بویژه خواجه شیراز، توان و تبحر خود را در هماوردی با ارکان شعر ایران به نمایش گذاشته، از دیگر سو تنها به انتقال مواریث و تجارب ادبی اسلاف خود بسنده نکرده بلکه در جریان تداوم سنت‌های ادبی، ذهنیت و نگرش نو دارد. چنین ذهنیت و نگاهی، تحولی شگرف در تاریخ بعضی از انواع شعر فارسی را سبب شده است.

یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین خدمات شهریار، ایجاد تحول در غزل است. جریان پویایی که امروز با عنوان «غزل نو» به موازات شعر نو به حیات خود ادامه می‌دهد، در واقع با غزل‌های نوآیین جناب شهریار آغازیده است. از این روست که شهریار را می‌توان پس از دوره بازگشت و دوره مشروطیت- که از ادوار رکود و فتور تاریخ غزل شمرده می‌شود- احیاگر غزل فارسی و نیز «پدر غزل نو» دانست.

رویکرد ویژه شهریار به غزل، باعث شد غزل دیگرباره به عنوان پویاترین گونه شعر فارسی جایگاه خود را در اذهان و انظار باز یابد. شعرهای مکتب شهریار بیش از آنکه به اعتبار قالب و فرم ظاهری شناخته شوند، با رمانتیسم قالب تمایز و تشخص می‌یابند. شعرهایی چون دو مرغ بهشتی، هذیان دل، قهرمانان استالینگراد، افسانه شب، مومیایی، ای وای مادرم، راز و نیاز و پیام به انیشتین از برجسته‌ترین آثار فارسی او هستند.

آوازه اشعار ترکی شهریار حدود و ثغور سیاسی را درنوردیده و برای مثال منظومه «حیدربابایه سلام» که فرازین قله آثار ترکی او به شمار می‌رود، نه‌تنها به آثار شاعران ترکی‌گوی ایران، بلکه در شعر جمهوری آذربایجان، ترکیه و آسیای میانه هم به گواه شاهدان تاثیر بسیار نهاده است. به این تاثیر باید این را هم افزود که ظهور شهریار و اشعار او به نجات شعر آذربایجان انجامید، چرا که آن دوره اشعاری به زبان ترکی در ایران به چاپ می‌رسید که از حیث کمیت و کیفیت نمود چندانی نداشت، اگر چه او چیزی کمتر از یک پنجم اشعار خود را به زبان ترکی سروده است.

ورای آنچه که گفتیم و گفتند، شهریار را عوام مردم با «علی ای همای رحمت» می‌شناسند و چه خوش شناسنامه‌ای! اهل روضه و محرم اما صفحات دیگری از اسرار ماندگاری شهریار شعر را در مجالس شنیده‌اند:

■ کاروان کربلا

شیعیان دیگر هوای نینوا دارد حسین
روی دل با کاروان کربلا دارد حسین
از حریم کعبه جدش به اشکی شست دست
مروه پشت‌سر نهاد اما صفا دارد حسین
می‌برد در کربلا هفتاد و دو ذبح عظیم
بیش از اینها حرمت کوی منا دارد حسین
پیش رو راه دیار نیستی کافیش نیست
اشک و آه عالمی هم در قفا دارد حسین
بس‌که محمل‌ها رود منزل به منزل با شتاب
کس نمی‌داند عروسی یا عزا دارد حسین
رخت و دیباج حرم چون گل به تاراجش برند
تا به‌جایی که کفن از بوریا دارد حسین
بردن اهل حرم دستور بود و سر غیب
ورنه این بی‌حرمتی‌ها کی روا دارد حسین
سروران، پروانگان شمع رخسارش ولی
چون سحر روشن که سر از تن جدا دارد حسین
سر به تاج زین نهاده راه پیمای عراق
می‌نماید خود که عهدی با خدا دارد حسین
او وفای عهد را با سر کند سودا ولی
خون به دل از کوفیان بی‌وفا دارد حسین
دشمنانش بی‌امان و دوستانش بی‌وفا
با کدامین سر کند، مشکل دو تا دارد حسین
سیرت آل‌علی با سرنوشت کربلاست
هر زمان از ما یکی صورت نما دارد حسین
آب خود با دشمنان تشنه قسمت می‌کند
عزت و آزادگی بین تا کجا دارد حسین
دشمنش هم آب می‌بندد به روی اهل‌بیت
داوری بین با چه قومی بی‌حیا دارد حسین
بعد ازینش صحنه‌ها و پرده‌ها اشکست و خون
دل تماشا کن چه رنگین سینما دارد حسین
ساز عشق است و به دل هر زخم پیکان زخمه‌ای
گوش کن عالم پر از شور و نوا دارد حسین
دست آخر کز همه بیگانه شد دیدم هنوز
با دم خنجر نگاهی آشنا دارد حسین
شمر گوید گوش کردم تا چه خواهد از خدا
جای نفرین هم به لب دیدم دعا دارد حسین
اشک خونین گو بیا بنشین به چشم شهریار
کاندرین گوشه عزایی بی‌ریا دارد حسین

روزگار قریبی است!

یادداشت امروز

ادامه از صفحه اول

این هم البته بخشی از تاریخ است که یا روایت نکردیم، یا کم روایت کردیم، یا روایت کردیم و شنیده نشد، یا صدای بوقچی‌های «تاریخ مجازی» آنقدر بلند بود که اجازه نداد «روایت تاریخ» به گوش ایرانیان برسد. که در همه فرم‌ها و قالب‌ها باید این کار صورت بگیرد. تلویزیون سریال بسازد، نویسنده کتاب بنویسد و ما مدام بگوییم «تاریخ»مان چیست! حداقل بگوییم تاریخ معاصرمان چیست؟ بگذار در کتاب‌های درسی دعوا سر این باشد که: آریایی‌ها از سیبری آمده‌اند یا خیر! حالا نمی‌دانم این چه مزیتی برای ایرانی زنده و مرده این خاک دارد که از «سیبری» آمده باشد؟! که ساکن اولیه این خاک پرگهر نباشد! این حربه رضاخانی بود که «تاریخ ایرانی» را از «جغرافیای ایرانی» تفکیک کرد و هنوز نظام آموزشی رسمی مملکت به آن وفادار است!

۶- هر وقت از آگاهی تاریخی حرف می‌زنم، روایت‌های سالم و وفادارانه به تاریخ که در قالب داستان، نمایش، سریال و فیلم سینمایی تولید شده‌اند، از جلوی چشمانم می‌گذرد. مثلا «روزگار قریب»؛ وقتی زینب دارد برای دکتر محمد قریب تعریف می‌کند که چگونه مادرش به خاطر فقر، نداری و گرسنگی اول به او و برادرش علی به زور مرگ موش خورانده تا بمیرند و از این محنت‌کده خلاص شوند و بعد که همسایه‌ها نجاتشان دادند، دست برنداشته و بار دیگر برای خودکشی و فرزندکشی، خود، زینب و علی را به چاهی انداخته است. در حالی که هیچ چیز برای خوردن نداشته‌اند. دریغ از تکه‌ای نان که نجاتشان دهد. از این معرکه بلا اما زینب جان سالم به در برده است و روایتگر دردهای خود و خانواده و در حقیقت دردهای یک ملت است. دکتر قریب به این دردها گوش می‌کند. حالا زینب از هوش رفته است. دکتر قریب به راهرو می‌آید تا از پرستاران پیگیر مداوای زینب شود اما آنها هنوز دارند جشن‌های ۲۵۰۰ ساله را از تلویزیون تماشا می‌کنند و روایت اینجا تلخ‌تر می‌شود؛ جشن‌های ۸۰۰ میلیون دلاری (سال ۵۰) ۲۵۰۰ ساله در حالی برگزار می‌شد که در همان تاریخ به استناد خاطرات حضرات حاضر در دربار شاهنشاهی، متجاوز از نیمی از جمعیت کشور در روستاها و حومه شهرهای بزرگ در فقر و فلاکت زندگی می‌کردند.

۷- حالا و در زمانه‌ای که شاید حجم مشکلات اقتصادی و بعضی از تبعیض‌ها ممکن است گویندگان، نویسندگان و گروه‌هایی از مردم را از دایره انصاف خارج کند، باید از آگاهی تاریخی حرف زد. و اینکه فارغ از به رسمیت شناختن حق انتقاد و اعتراض برای عموم شهروندان، نباید چیزهایی را فراموش کرد که یکی از آنها گذشته سیاهی است که خان و خان‌زاده‌اش ساختند.

۸- خلاصه، آگاهی تاریخی مهم است!

www.vatanemrooz.ir

وزارت راه و شهرسازی
سازمان بنادر و دریانوردی
آگهی

به استناد رونوشت سند شماره ۸۶۱۴۲ مورخ ۹۷/۴/۱۹ دفتر اسناد رسمی شماره ۱۳ بندردیلم آقای صادق شیخی فرزند داراب و خانم صدیقه بهبهانی مقدم فرزند مشکو تمامی شش دانگ سهام خود در مالکیت لنج باری فایبرگلاس به شماره ثبت ۱۲۳۶۶-بندرعباس را به آقای مختار شوشتری فرزند احمد و خانم حدیث شوشتری فرزند مختار(هرکدام به میزان سه دانگ) انتقال قطعی داده اند.
مراتب به استناد ماده ۲۵ قانون دریایی ایران آگهی می گردد.
م.الف ۱۷۰۹